

**The International Responsibility of the United States of America for the Violations of the Treaty of Amity in the Framework of the Judgment of March 30, 2023, of the International Court of Justice
(Original Research)**

Seyed Ghasem Zamani *
Zohreh Shafiei **

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2024.2022816.2515

Date Received: 12 Feb.2024

Date Accepted: 5 Mar.2024

Abstract

Violations of the Treaty of Amity, Economic Relations and Consular Rights (1955) by the United States of America has a history almost as old as the life of the Islamic Republic of Iran. It is said that violating any international obligation causes the international responsibility of the violating state. Still, it is the affected state that demands the determination of the violations and compensation for the damages caused by the violations from the judicial bodies.

In the judgment of March 30, 2023, in the case of certain Iranian assets, the International Court of Justice confirmed the violations of Articles 3, 4, and 10 of the Treaty of Amity by the US, and determined the international responsibility of the US against Iran., ICJ by not paying attention to the preliminary objections, showed that it does not allow the violating state to mock its obligations with the trick of unilateralism. ICJ's emphasis on the commitment of the US to pay compensation to specify the principle of the rule of law, and to grant a deadline of 24 months to Iran and the US to agree on the amount and method of paying compensation, respecting the agreement of the states.

Regardless of the constitutive aspect of the verdict regarding the payment of compensation, the declaration of the international responsibility of the US in terms of violating various articles of the Treaty has a declarative aspect.

* Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, zamani@atu.ac.ir

** Corresponding Author, International law PhD. candidate, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, zohre.shafiee.90@gmail.com.



Keywords

International Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, the Treaty of Amity (1955), Judgment of March 30, 2023, the Islamic Republic of Iran, the United States of America, the International Court of Justice, Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America)

مسئولیت بین‌المللی دولت امریکا ناشی از نقض معاهده مودت در چارچوب رای ۳۰ مارس ۲۰۲۳ دیوان بین‌المللی دادگستری (بژوهشی)

سیدقاسم زمانی *

زهره شفیعی **

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2024.2022816.2515

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳

چکیده

نقض معاهده مودت (۱۹۵۵) توسط دولت ایالات متحده آمریکا تقریباً سابقه‌ای به قدمت عمر دولت جمهوری اسلامی ایران دارد. گو اینکه نقض هر تعهد بین‌المللی، موجب مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف است، ولی اصولاً این دولت قربانی است که احراز نقض تعهد و جبران خسارت ناشی از آن را از مراجع قضایی مطالبه می‌نماید.

دیوان بین‌المللی دادگستری در رای ۳۰ مارس ۲۰۲۳ در پرونده برخی از اموال ایران، با احراز نقض مواد ۳، ۴ و ۱۰ معاهده مودت توسط آمریکا، مسئولیت بین‌المللی این دولت در مقابل ایران را مسلم دانست. دیوان ضمن اهمیت ندادن به ادعای آمریکا در مورد عدم پاکدستی مدعی، و سایر ایرادهای مقدماتی نشان داد که اجازه نمی‌دهد دولت متخلف، با ترفند یکجانبه‌گرایی تعهدات بین‌المللی خویش را به سُخره گیرد.

zamani@atu.ac.ir

* استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

** نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی
zohre.shafiee.90@gmail.com

تأکید دیوان بر الزام امریکا به پرداخت غرامت، تصریح بر اصل حکومت قانون، و اعطای مهلت ۲۴ ماهه به ایران و امریکا برای توافق در مورد میزان و نحوه پرداخت غرامت، احترام به توافق دولت‌ها در مورد اجرای احکام قضایی بین‌المللی است.

فارغ از جنبه تأسیسی حکم در مورد پرداخت غرامت به ایران، احراز مسئولیت بین‌المللی امریکا از لحاظ نقض مواد مختلف معاهده مودت جنبه اعلامی داشته و ضمن اثبات اعتقاد ایران به قضای بین‌المللی، بخش مهمی از هدف ایران از مراجعه به دیوان را محقق ساخته است.

واژگان کلیدی

مسئولیت بین‌المللی، معاهده مودت ۱۹۵۵، رأی ۳۰ مارس ۲۰۲۳، ایران، ایالات متحده امریکا، دیوان بین‌المللی دادگستری، قضیه برخی اموال و دارایی‌ها

مقدمه

حدود دو ماه پس از صدور رأی دیوان عالی امریکا در پرونده موسوم به پترسون، و در پی ضبط و مصادره اموال بانک مرکزی ایران به واسطه اجرای حکم دادگاه‌های داخلی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در این قضیه، دولت ایران در ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶ دادخواستی را به استناد معاهده مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی ۱۹۵۵ میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری علیه امریکا به ثبت رساند.^۱ دیوان در قضیه برخی اموال/ایران، ضمن اعلام عدم ورود به موضوع بانک مرکزی، در چهار مورد، دولت ایالات متحده را در اثر نقض تعهدات ناشی از مواد ۳ (بند ۱)، ماده ۴ (بندهای ۱ و ۲) و ماده ۱۰ (بند ۱) معاهده «مودت»، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی» مصوب ۱۵ اوت ۱۹۵۵ متخلف شناخت.

ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مقرر می‌دارد، دیوان نسبت به واقعیت هر امری که در صورت ثبوت، نقض تعهد بین‌المللی محسوب شود و تعیین نوع و میزان غرامتی که باید برای نقض یک تعهد بین‌المللی داده شود، صلاحیت رسیدگی دارد. دیوان میان این دو مرحله در رسیدگی‌های خود تفکیک قائل می‌شود؛ در مرحله اول به اثبات واقعه حقوقی و احراز مسئولیت بین‌المللی می‌پردازد و متعاقباً به تعیین نوع و شیوه جبران خسارت در صورت عدم توافق دولت‌ها ورود می‌یابد.^۲

1. See Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Application instituting proceedings, 14 June 2016.

برای مطالعه بیشتر، ن. ک: محسن محبی و وحید بذار، «رویکرد تفسیری دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه برخی اموال/ایران (جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده امریکا)» فصلنامه قضاوت ۹۸ (۱۳۹۸): ۵۳-۸۳.

2. See Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Judgment of 30 March 2023, para. 236.

وفق ماده ۱ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت‌ها ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی (۲۰۰۱)، هر عمل متخلفانه بین‌المللی دولت، موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت است. این قاعده عمومی و بنیادین که در نقض هر تعهد بین‌المللی ریشه دارد، به فرض برابری و استقلال همه دولت‌ها، برخلاف حقوق داخلی، ایده شخص محجور را در میان دولت‌ها نفی و بر مسئولیت برابر دولت‌ها در مقابل نظام حقوق بین‌الملل تأکید می‌کند. مسئولیت، شرط اساسی برای اثربخشی هر نظم حقوقی است که نقض تعهد، پیامدهای قانونی را به دنبال داشته باشد. دیوان بین‌المللی دادگستری در موقعیتی قرار دارد که می‌تواند در عرصه قضای بین‌المللی، حدود و ثغور، ماهیت و دامنه این پیامدها را مشخص سازد.

تابعان حقوق بین‌الملل تا چندی پیش، عمدتاً قواعد مسئولیت بین‌المللی را در آرای داوری و قضایی جستجو می‌کردند. پس از تنظیم طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی گمان می‌رفت که از این پس باید مقررات در این باب را به معاهده‌ای الزام‌آور مستند کرد، حال آنکه با گذشت قریب به بیست و سه سال، این مواد، جامه الزام‌آور معاهده را بر تن نکردند؛ لذا ارجاعات متعدد محاکم و مراجع بین‌المللی به این مواد، نه تنها بر ثبات و الزام‌آوری آن‌ها تأکید می‌کند، بلکه قواعد مندرج در مواد طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را روشن‌تر می‌سازد و در نتیجه به تقویت و توسعه آن مواد یاری می‌رساند. رأی دیوان در قضیه برخی اموال و دارایی‌های ایران، شاهد این مدعا است.

هنگامی که یک دولت مرتکب فعل متخلفانه بین‌المللی علیه دولت دیگر می‌شود، بلافاصله و قهراً بین این دو دولت رابطه مسئولیت بین‌المللی ایجاد می‌شود؛^۳ در نتیجه، هر عمل متخلفانه بین‌المللی موجب مسئولیت بین‌المللی ناقض خواهد شد؛^۴ لذا نقض‌های مکرر ایالات متحده از تعهدات مندرج در معاهده مودت، بسیار پیش‌تر از طرح دعوا در ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶ منجر به مسئولیت بین‌المللی این دولت در قبال دولت ایران شده، اما از ۱۴ ژوئن به بعد، دولت ایران به دنبال اثبات این نقض‌ها و جبران خسارت تحت عنوان پیامدهای حقوقی مسئولیت بین‌المللی بود و دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان رکن اصلی قضایی سازمان ملل متحد و نهاد صالح پیش‌بینی شده در ماده ۲۱ معاهده مودت، مهم‌ترین و بهترین مرجع برای طرح مسئولیت دانسته شد.

پژوهش حاضر در سه بخش به ارزیابی رأی ۳ مارس ۲۰۲۳ در مورد مسئولیت بین‌المللی دولت ایالات متحده آمریکا و احراز آن‌ها از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری پرداخته و دیدگاه دیوان را در مورد حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در پرتو رأی در قضیه برخی از اموال و دارایی‌های

3. Phosphates in Morocco, Preliminary Objections, 1938, P.C.I.J., Series A/B, No. 74, p. 10.

4. Ibid.; See also S.S. "Wimbledon", 1923, P.C.I.J., Series A, No. 1, p. 15; Factory at Chorzów, Jurisdiction, Judgment No. 8, 1927, P.C.I.J., Series A, No. 9, p. 21; and ibid., Merits, Judgment No. 13, 1928, P.C.I.J., Series A, No. 17, p. 29.

۱. ارکان مسئولیت بین‌المللی دولت ایالات متحده امریکا در پرونده برخی از اموال ایران

برای اثبات ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی از سوی ایالات متحده و متعاقباً مسئولیت آن دولت، دیوان باید ابتدا ارزیابی می‌کند که آیا فعل یا ترک فعل‌های ادعایی دولت ایران به موجب حقوق بین‌الملل قابل انتساب به ایالات متحده هستند، و سپس آیا چنین فعل‌ها یا ترک فعل‌هایی اصولاً نقض تعهد بین‌المللی آن دولت قلمداد می‌شوند. با این حال، دیوان اصولاً بین این دو مرحله تفکیک قائل نمی‌شود و دو رکن یادشده را در ضمن یکدیگر ارزیابی می‌کند.

۱-۱. قابلیت انتساب فعل یا ترک فعل‌های ادعایی به ایالات متحده امریکا

برای آنکه فعل یا ترک فعل خاصی باعث ایجاد مسئولیت بین‌المللی بشود، در وهله اول، آن فعل یا ترک فعل باید قابل انتساب به آن دولت باشد. برای احراز انتساب باید رابطه علی و معلولی بین عمل آن دولت و تخلفی که به وقوع پیوسته، اثبات شود.^۵ انتساب رفتار به دولت به‌عنوان تابع حقوق بین‌الملل بر اساس معیارهای تعیین‌شده به موجب حقوق بین‌الملل صورت می‌پذیرد.^۶ از این رو مواد ۴ تا ۱۱ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به اشکال گوناگون انتساب رفتار متخلفانه پرداخته‌اند^۷ که در قضیه برخی اموال و دارایی صرفاً برخی از آن‌ها قابلیت کاربست دارد.

حقوق بین‌الملل در تکوین اصول قابلیت انتساب عمل به دولت‌ها بر سه عامل تکیه کرده است: رابطه ارگانیک و سازمانی، عنصر نظارت و کنترل، پیوند سرزمینی. رابطه سازمانی به جایگاه عامل رفتار (حقیقی یا حقوقی) در ساختار سازمانی دولت بستگی دارد. در این مفهوم، شخص عامل با دولت رابطه شغلی و کارکردی دارد، یعنی با تشکیل بخشی از ساختار سازمانی دولت، سیاست و برنامه آن را به اجرا می‌گذارد.^۸ ماده ۴ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مقرر می‌دارد، رفتار هر ارگان دولتی به موجب حقوق بین‌الملل، فعل آن دولت تلقی می‌شود، فارغ از اینکه آن ارگان کارکرد

۵. اسماعیل خلیفه، «مسئولیت بین‌المللی دولت در پرتو رأی یازدهم دسامبر ۲۰۲۰ دیوان بین‌المللی دادگستری (شکایت دولت گینه استوایی به طرفیت دولت فرانسه)» مجله تمدن حقوقی ۵، ۱۱ (۱۴۰۱): ۴۱۳.

۶. Annette Culley (2017), State Responsibility in International Law, West Papua Women's Office Federal Republic of West Papua, p. 14.

۷. See Commentaries to the draft articles on Responsibility of States for internationally wrongful acts, adopted by the International Law Commission at its fifty-third session (2001). Available at: http://www.eydner.org/dokumente/darsiwa_comm_e.pdf (Last Visited: 17 February 2024).

۸. در این زمینه، ن. ک: سیدقاسم زمانی، «جایگاه اصول و قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قضیه سکوه‌های نفتی»، در مجموعه مقالات پیرامون: رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سکوه‌های نفتی: دعوی جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده امریکا، زیر نظر جمشید ممتاز، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۸۴): ۹۵-۱۱۹.

تقنینی، قضایی، اجرایی یا کارکردی دیگر داشته باشد. ارگان نیز شامل هر شخص یا نهادی است که به موجب حقوق داخلی دولت، وضعیت مزبور را داشته باشد. دولت به‌عنوان تابع حقوق بین‌الملل، مسئول رفتار تمام ارگان‌ها، مأموران و عواملی است که بخشی از سازمان آن را تشکیل داده و در آن مقام عمل می‌کنند؛^۹ لذا سطور آتی به ارزیابی اعمال برخی نهادها می‌پردازد و امکان‌سنجی انتساب آن‌ها به ایالات متحده آمریکا را در پرتو رأی ۳۰ مارس مورد تدقیق قرار می‌دهد. ادعاهای اصلی ایران مجموعاً حول سه محور اقدامات تقنینی، قضایی و اجرایی نهادها و ارگان‌های دولت آمریکا بود که به شرح زیر بیان می‌شود:

تقنین، مهم‌ترین تجلی حاکمیت دولت قلمداد می‌شود اعم از آنکه چنین اقدامی در قالب قانون اساسی، قوانین عادی یا سایر مصوبات لازم‌الرعایه مثل آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها تجلی یابد. ایالات متحده آمریکا در ۱۹۹۶ قانون مصونیت‌های حاکمیت خارجی^{۱۰} خود را اصلاح کرد تا مصونیت دولت‌هایی را که به‌عنوان «دول حامی تروریسم» معرفی شده‌اند از جمله دولت ایران^{۱۱} نسبت به دعاوی اقامه‌شده علیه آن‌ها در دادگاه‌های داخلی خود در ادعاهای مربوط به شکنجه، قتل‌های فراقانونی، خرابکاری در هواپیما، گروگانگیری یا ارائه حمایت مادی برای چنین اعمالی زائل کند. پس از تصویب این قانون، خواهان‌های دعاوی مذکور، برای خسارت منجر به مرگ و جراحات ناشی از اعمالی به طرح دعوا علیه ایران در دادگاه‌های ایالات متحده مبادرت کردند که ادعا می‌شد مورد حمایت مالی ایران بوده‌اند. این اقدامات منجر به طرح پرونده پترسون در مورد بمب‌گذاری در بیروت شد و متقابلاً اقدامات بعدی ایالات متحده را همراه داشت که مدعای اصلی دولت ایران بودند.

ایالات متحده در ۲۰۰۲ نیز قانون بیمه خطر تروریسم^{۱۲} را تصویب کرد که به تعیین اقدامات اجرایی برای احکام صادره پس از اصلاحیه ۱۹۹۶ قانون مصونیت‌های خارجی می‌پرداخت. به‌طور خاص، بخش ۲۰۱ این قانون به‌عنوان قاعده کلی مقرر می‌کند که در هر موردی که شخصی بر مبنای اقدام تروریستی با اقدامات منطبق بر بخش ۱۶۰۵ (الف) (۷) قانون مصونیت‌های حاکمیت خارجی، حکمی قضایی اخذ کرده باشد، دارایی‌های «طرف تروریست» از جمله دول حامی تروریسم که قبل‌تر از سوی ایالات متحده مسدود شده‌اند، جهت مساعدت به اجرای حکم، مشمول اجرا یا توقیف خواهد بود.

9. See Simon Olleson, The Impact of the ILC's Articles on Responsibilities of States for International Wrongful Acts, The British Institute of International and Comparative Law, pp. 17-60.

10. Foreign Sovereign Immunities Act (FSIA)

۱۱. در ۱۹۸۴ ایالات متحده آمریکا در پی ادعای بمب‌گذاری پادگان تفنگداران دریایی ایالات متحده و کشته شدن ۲۴۱ نظامی آمریکایی، ضمن مسئول قلمدادکردن ایران، این کشور را «دولت حامی تروریسم» معرفی کرد.

12. Terrorism Risk Insurance Act (TRIA)

ایالات متحده در ۲۰۰۸، قانون مصونیت‌های حاکمیت خارجی را اصلاح کرد و از جمله دسته‌بندی دارایی‌های موجود برای جلب رضایت محکوم‌لهم را گسترش داد تا شمول آن را به‌ویژه به تمام دارایی‌های نهادهای دولتی ایرانی توسعه دهد، فارغ از اینکه آن اموال قبلاً توسط امریکا مسدود شده‌اند یا خیر و حتی صرف‌نظر از میزان کنترل اعمالی که از سوی ایران بر آن نهادها وجود دارد.

رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در ۲۰۱۲، فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ را صادر کرد که به موجب آن، کلیه دارایی‌های دولت ایران از جمله دارایی‌های بانک مرکزی ایران و مؤسسات مالی تحت مالکیت یا تحت کنترل ایران از جمله هر شعبه خارجی در صورتی که در قلمرو ایالات متحده یا کنترل هر شخص امریکایی است، مسدود شود.

در ۲۰۱۲ ایالات متحده، قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه را تصویب کرد که در بند ۵۰۲ آن، از جمله دارایی‌های بانک مرکزی را مشمول اجرا کرد تا احکام غیابی صادره علیه ایران در محاکم ایالات متحده در قضیه پترسون را به اجرا بگذارد. متعاقباً دیوان عالی ایالات متحده به‌عنوان رکن قضایی ایالات متحده، مطابقت قانون را با قانون اساسی تأیید کرد و در نتیجه تدابیر ایالات متحده، بسیاری از احکام غیابی و احکام خسارات توسط دادگاه‌های ایالات متحده علیه ایران صادر شده که در حال حاضر مشمول رسیدگی‌های مربوط به اجرای احکام هستند و برخی نیز به مرحله اجرا رسیده‌اند و منجر به توقیف یا توزیع دارایی‌های ایران و نهادهای دولتی ایران از جمله بانک مرکزی شده‌اند.

اینکه یک دولت، مسئول رفتارها و اعمال تقنینی، قضایی و اجرایی ارگان‌هایش است که در مقام خود عمل کرده‌اند، در رویه قضایی بین‌المللی نیز به‌خوبی استقرار یافته است. در قضیه اختلاف راجع به مصونیت گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر، دیوان ابراز داشت: بر اساس قاعده حقوق بین‌الملل، رفتار هر ارگان دولت باید رفتار خود آن دولت تلقی شود و این قاعده، ماهیتی عرفی دارد.^{۱۳} در قضیه مصونیت نیز همانند قضیه برخی اموال و دارایی‌ها که محاکم ایالات متحده اقدام به صدور رأی علیه شرکت‌ها و اتباع ایرانی برخلاف معاهده ۱۹۵۵ نموده بودند، دیوان با تصمیمات دادگاه‌های دولتی سروکار داشت. با این حال، قاعده عرفی ذکرشده در قضیه مزبور بر اعمال اجرایی و تقنینی دولت هم اعمال می‌شود.^{۱۴} مثبت این نظر نیز رأی دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در قضیه برخی منافع آلمان در سیلزیای علیای لهستان است که اشعار داشته «از نقطه نظر حقوق بین‌الملل و دیوان به‌عنوان یکی از ارکان آن، قوانین داخلی همچون تصمیمات قانونی یا تدابیر

13. Difference Relating to Immunity from Legal Process of a Special Rapporteur of the Commission on Human Rights, I.C.J. Reports 1999, p. 87, para. 62.

14. Report of the Commission to the General Assembly on the work of its fifty-third session, The Yearbook of the International Law Commission, 2001, vol. II (Part Two), A/CN.4/SER.A/2001/Add.1 (Part 2), p. 41.

اداری بیانگر اراده دولت‌ها و مبنای فعالیت آن‌هاست»^{۱۵}. در نتیجه رفتارها می‌توانند متضمن قانونگذاری یا اقدام اداری یا سایر اقدامات یا حتی تهدید به این اقدامات یا یک تصمیم قطعی قضایی باشند. از این رو قوانین مصوب نهادهای صلاحیت‌دار در ایالات متحده آمریکا از جمله قانون مصونیت‌های حاکمیت خارجی، قانون بیمه خطر تروریسم، اصلاحیه قانون مصونیت، قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه و فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ ریاست جمهور وقت ایالات متحده به‌عنوان ارگان و مقام بلندپایه، قابل انتساب به دولت ایالات متحده آمریکا است.

۱-۲. نقض تعهد بین‌المللی ایالات متحده آمریکا به واسطه فعل یا ترک فعل‌هایش

ماده ۱۲ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مقرر می‌دارد، هنگامی نقض تعهد بین‌المللی محقق می‌شود که فعل دولت با مقتضیات تعهد ذی‌ربط، منطبق نباشد، فارغ از اینکه منشأ یا ماهیت تعهد مزبور چیست. در نتیجه، نقض تعهد بین‌المللی متشکل از مغایرت میان رفتار واقعی و رفتاری است که دولت به موجب آن تعهد باید انجام می‌داد، فارغ از اینکه این تعهد منبعث از کدام‌یک از منابع حقوق بین‌الملل اعم از عرف یا معاهدات و ... باشد؛ لذا منشأ تعهد نقض شده بر مسئولیت ناشی از نقض تأثیرگذار نیست.

در قضیه برخی اموال و دارایی‌های ایران، دولت خواهان مدعی بود که ایالات متحده آمریکا با اعمال خود از جمله به رسمیت نشناختن وضعیت حقوقی مستقل تمامی شرکت‌های ایرانی از جمله بانک مرکزی، تعهدات خود را در قبال ایران به موجب بند ۱ ماده ۳ معاهده مودت نقض کرده و با اعمالی چون رفتار غیرمنصفانه و تبعیض‌آمیز با این نهادها، به اموال آن‌ها و حقوق مکتسبه قراردادی‌شان لطمه زده است. ایالات متحده با مصادره اموال این نهادها و عدم اعطای آزادی به این نهادها جهت دسترسی به دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا از جمله لغو مصونیت‌هایی که ایران و شرکت‌های ایرانی از جمله بانک مرکزی از آن برخوردارند، مرتکب نقض معاهده ۱۹۵۵ و قواعد عرفی حقوق بین‌الملل شده است؛ هرچند ایالات متحده در ۳ اکتبر ۲۰۱۸ خروج خود از معاهده مودت را اعلام کرد و وفق بند ۳ ماده ۲۳ معاهده مودت، این خروج در ۳ اکتبر ۲۰۱۹ قطعی و نافذ شد. مطابق این بند، هر یک از طرفین معظمین متعاهدین می‌تواند با دادن اخطار کتبی به مدت یک سال به طرف معظم متعاهد دیگر در انقضای مدت ده سال اول یا هر موقع پس از آن، به این عهدنامه خاتمه دهد (فسخ کند). اما دیوان با بهره‌جستن از ماده ۱۳ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، حقوق بین‌المللی عرفی در این رابطه و تکیه بر آرای پیشین خود مبنی بر آنکه زمان وقوع فعل متخلفانه بین‌المللی باید هنگامی باشد که تعهد مزبور برای دولت ناقض الزام‌آور باشد، به این خروج وقعی ننهاد. پرواضح است که چنین

15. Certain German Settler in Poland, 1923, P.C.I.J Series B, No. 6, p. 19.

خروجی عطف به ماسبق نشده و بر مسئولیتی که پیش‌تر ایجاد شده تأثیری نخواهد داشت.^{۱۶} این اصل قبلاً نیز در بسیاری از قضایا و آرای محاکم بین‌المللی مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است.^{۱۷} دیوان داوری در قضیه رینبو واریور رأی داده بود که اگرچه معاهده استنادی ذی‌ربط با گذشت زمان خاتمه یافته، مسئولیت دولت فرانسه برای نقض تعهدات سابقش همچنان باقی است.^{۱۸} بنابراین به محض آنکه مسئولیت در نتیجه فعل متخلفانه بین‌المللی ایجاد شد، دیگر انقضای بعدی آن تعهد بر نقض‌های پیشین تأثیری ندارد، خواه در نتیجه خاتمه معاهده یا تغییر در حقوق بین‌الملل باشد.^{۱۹} ایران در لوایح کتبی خود مدعی بود که ایالات متحده با به‌رسمیت نشناختن وضعیت حقوقی جداگانه بانک مرکزی و سایر شرکت‌های ایرانی، بند ۱ ماده ۳ و بند ۴ ماده ۱۱ معاهده مودت را نقض کرده و رفتار غیرمنصفانه و ناعادلانه ایشان با شرکت‌های مختلف ایرانی منجر به نقض بند ۱ ماده ۴ معاهده شده است. ایالات متحده با عدم تأمین حمایت و امنیت پایدار این شرکت‌ها و اموال آن‌ها تعهدات خود ذیل بند ۲ ماده ۴، و همچنین با عدم رعایت حق شرکت‌های مذکور در کسب و واگذاری دارایی‌های‌شان، بند ۱ ماده ۵ معاهده ۱۹۵۵ را نقض کرده است و چنین عنوان کرده بود که محدودیت‌های اعمال شده از سوی دولت ایالات متحده در مورد نقل و انتقال‌های مالی منجر به نقض بند ۱ ماده ۷ و بند ۱ ماده ۱۰ معاهده و اختلال در آزادی تجارت میان سرزمین‌های طرفین معاهده شده است.

از آنجا که دیوان تنها در صورتی می‌تواند به قضیه‌ای ورود کند که طرفین، اعم از خواهان و خوانده، صلاحیت دیوان را با رضایتی آزاد به آن تفویض کرده باشند،^{۲۰} در پرتو آن رضایت، دامنه موضوعاتی که دیوان می‌تواند به آن‌ها ورود نماید، مشخص و محدودتر می‌شود.^{۲۱} چنین رضایتی می‌تواند به اشکال گوناگون ابراز شود، اعم از یک قید معاهده‌ای، پذیرش اختیاری صلاحیت اجباری دیوان به موجب اعلامیه تسلیمی به دیوان یا پذیرش صلاحیت از سوی خوانده از طریق رفتار خود پس از شروع یکجانبه دادرسی توسط خواهان^{۲۲} و توافق دو طرف برای تسلیم اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری که تحت عنوان مبانی صلاحیتی و ذیل ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی

۱۶. سیدجمال سیفی، *حقوق مسئولیت بین‌المللی* (گفتارهایی در مسئولیت بین‌المللی دولت)، (تهران: انتشارات شهردانش، ۱۴۰۱)، ۱۱۴.

17. See Certain phosphate lands in Nauru (Nauru v. Australia), Preliminary Objections, I.C.J Reports 1992, 240.

18. Rainbow Warrior (New Zealand/ France), R.I.A.A, vol. XX, p. 212 (1990).

۱۹. *مسئولیت بین‌المللی دولت: متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل*، ترجمه: علیرضا ابراهیم‌گل، (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۷)، ۹۵.

20. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro) - Order of the Court on provisional measures, 13 September 1993, Separate opinion of judge Lauterpacht, para. 14.

21. See Basis of the Court's jurisdiction, Available at: <https://www.icj-cij.org/basis-of-jurisdiction> (Last visited: 16 July 2023).

۲۲. برای مطالعه بیشتر، ن.ک: سیدقاسم زمانی و سهیلا کوشا: صلاحیت معوق دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر رأی دیوان در اختلاف میان دولت‌های جیبوتی و فرانسه (۲۰۰۸)، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی* ۱۴، ۳۸ (۱۳۹۱): ۱۶۳-۱۹۳.

دادگستری و بند ۵ ماده ۳۸ قواعد دادرسی هستند.

پیش‌نویس مواد طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها شامل بخش سومی بود که به حل و فصل اختلافات می‌پرداخت؛ متن به بسیاری از مسائل مهم حقوق بین‌الملل توجه داشت که توسط قواعد معاهداتی خاص پوشش داده نمی‌شوند. علاوه بر این، گنجاندن مقرراتی برای حل و فصل اختلافات، ظرفیت محاکم و دادگاه‌های بین‌المللی را برای توسعه حقوق از طریق تصمیمات خود افزایش می‌داد؛ لذا ضرورت وجود سازکار حل و فصل اختلافات اجباری مورد توجه قرار گرفت.^{۲۳} با این حال، برخی گنجاندن مقررات حل اختلاف را غیرضروری دانستند چرا که معتقد بودند، مقررات مربوط به حل و فصل اختلافات قبلاً به اندازه کافی تحت پوشش مجموعه رو به رشدی از حقوق بین‌الملل و به‌ویژه ماده ۳۳ منشور ملل متحد قرار گرفته است. ممکن است یک رژیم ویژه برای حل و فصل اختلافات در چارچوب مسئولیت دولت، منجر به همپوشانی با سازکارهای حل اختلاف موجود و تکه‌تکه‌شدن و تکثیر چنین سازکارهایی شود. در واقع مقررات کلی برای حل و فصل اجباری اختلافات در زمینه مسئولیت دولت به منزله تغییر قاعده مندرج در ماده ۳۳ منشور است؛ حرکتی که قابل انتظار نیست و حتی در حال حاضر نیز به‌سختی با واقعیت منطبق است؛^{۲۴} لذا مسئله شیوه‌های حل و فصل اختلافات و صلاحیت محاکم و مراجع قضایی بین‌المللی برای اثبات نقض تعهد بین‌المللی و مسئولیت دولت ناقض، از شمول مقررات مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مجزا ماند و مسئولیت و صلاحیت، دو موضوع مرتبط و جداگانه قلمداد شدند. با توجه به مبنای صلاحیتی اعلامی از سوی ایران، دیوان صرفاً می‌توانست به دعاوی منبث از نقض مقررات معاهده مودت ورود کند؛ از این رو دیوان برخی از ادعاهای ایران در مورد نقض ادعایی مصونیت‌های حاکمیتی تضمین‌شده توسط حقوق بین‌الملل عرفی را با تفسیر یا اجرای معاهده مودت مرتبط ندانست. بر این اساس، صلاحیت لازم برای ادعاهای مربوط به نقض قواعد حقوق بین‌الملل در مورد مصونیت‌های حاکمیتی را احراز ننمود.^{۲۵} در هر حال، مسئله صلاحیت و مسئولیت، دو موضوع مجزا و در عین حال مرتبط هستند. عدم صلاحیت دیوان به معنای تأیید عدم نقض یا عدم مسئولیت بین‌المللی دولت ناقض تعهدات بین‌المللی نیست. حقوق بین‌الملل عرفی قویاً مصونیت‌های حاکمیتی را تضمین می‌کند اما بنا به نظر دیوان، معاهده مودت به موضوع مصونیت‌های حاکمیتی ورود نکرده است. در نتیجه دیوان امکان ارزیابی برای اثبات نقض‌های ادعایی مربوط به مصونیت را ندارد.

23. Report of the Commission to the General Assembly on the work of its fifty-third session, Ibid., para 57.

24. Ibid., para. 58.

25. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Judgment of 30 March 2023, I.C.J. Reports 2023, para. 48.

در مجموع، دیوان صلاحیت رسیدگی به بخشی از دعاوی ایران را داشت و صرفاً باید به ادعاهای نقض دعاوی ناشی از نقض معاهده مودت رسیدگی می‌کرد.

اشاره شد که عمده اقدامات ایالات متحده امریکا مبتنی بر قوانین داخلی خود بوده است. با این حال، مطابقت با حقوق داخلی و انطباق با حقوق بین‌الملل، دو موضوع متفاوت هستند. آنچه نقض معاهده تلقی می‌شود ممکن است در حقوق داخلی، اقدامی قانونی باشد و برعکس، آنچه در حقوق داخلی غیرقانونی است، ممکن است ناقض مقررات ناشی از معاهده نباشد. دیوان در قضیه *السی* (ELSI) اعلام کرد که حتی اگر عالی‌ترین مقام قضایی یا اداری رأی داده باشد که مصادره به موجب حقوق ایتالیا کاملاً موجه و قانونی است، بدان معنا نیست که این امر نمی‌تواند نقض معاهده مودت، بازرگانی و دریانوردی باشد.^{۲۶} این مهم در اقداماتی که تحت نظارت جامعه ملل راجع به تدوین قواعد حاکم بر مسئولیت بین‌المللی انجام شد و همچنین در کارهایی که تحت نظارت سازمان ملل متحد راجع به تدوین حقوق و تکالیف دولت‌ها و حقوق معاهدات صورت گرفت، مورد تأیید بود. ماده ۱۳ پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به حقوق و تکالیف دولت‌ها مقرر می‌کند: هر دولت مکلف است تعهداتش به موجب معاهدات یا سایر منابع حقوق بین‌الملل را با حسن‌نیت اجرا کند و نمی‌تواند به مقررات مندرج در قانون اساسی یا حقوق داخلی خویش به‌عنوان عذری برای عدم اجرای تعهد استناد کند.^{۲۷} علاوه بر ادعاهای ایران به اقدامات تقنینی، خواهان اقدامات اجرایی و قضایی امریکا از ۲۰۰۲ به بعد را مورد توجه قرار داده بود.

بخش ۲۰۱ از قانون بیمه خطر تروریسم مشتمل بر «اجرای احکام صادره در رابطه با اموال بلوکه‌شده تروریست‌ها، سازمان‌های تروریستی و حامیان دولتی تروریسم» است و بند (الف) از بخش ۲۰۱ چنین اعلام می‌دارد که در هر موردی که یک شخص، رأیی را علیه یک طرف تروریست بر مبنای ادعایی مرتبط با عملی تروریستی یا برای مواردی که یک طرف تروریست به موجب بخش ۱۶۰۵ (الف) (۷) از عنوان ۲۸ قانون ایالات متحده امریکا فاقد مصونیت است، به دست آورده باشد، اموال بلوکه‌شده طرف تروریست می‌تواند در جهت کمک به اجرای چنین رأیی به میزان هرگونه خسارت جبرانی که طرف تروریست مسئول آن شناخته شده است، موضوع اجرا یا توقیف قرار گیرد.

بخش ۱۶۱۰ (g) (۱) از قانون مصونیت‌های حاکمیت خارجی نیز چنین اعلام داشته است: (g) اموال در دعاوی خاص (۱) اموال یک دولت خارجی که به موجب بخش ۱۶۰۵ (A) رأی علیه آن‌ها صادر شده و اموال یک نماینده یا مؤسسه وابسته به چنین دولتی، از جمله مال برخوردار از شخصیت حقوقی جداگانه یا هر منفعت مستقیم و غیرمستقیم مرتبط با یک شخصیت مستقل حقوقی، موضوع

26. Elettronica Sicula S.P.A (ELSI) I.C.J Reports 1989, p. 51, para. 73.

27. See G.A. Res 375 (IV) of 6 December 1949; Also See Yearbook 1949, pp. 105-106, 150, 171; 175th-183rd meetings, 27 October- 3 Session, Sixth committee, 168th-173rd, 18-25 October 1949.

توقیف برای کمک به اجرا و اجرای رأی صادره مطابق این بخش است، صرف‌نظر از:

الف. سطح کنترل اقتصادی دولت خارجی بر مال؛

ب. تعلق گرفتن یا نگرفتن منافع مال به دولت؛

ج. درجه اعمال مدیریت مقامات آن دولت بر مال یا کنترل امور روزانه آن؛

د. تلقی شدن یا نشدن دولت به‌عنوان تنها منتفع از منافع مال؛ یا

ه. استحقاق یافتن یا نیافتن دولت خارجی از تسهیلات دادگاه‌های ایالات متحده، آن هم در زمانی که از عمل به تعهدات خود خودداری کرد.

تصمیم‌های قضایی نیز که ایران به آن‌ها معترض بود توسط دادگاه‌های ایالات متحده در راستای اجرای مقررات فوق‌الذکر اتخاذ شدند و حکم به توقیف، اجرا، احاله یا توزیع اموال شرکت‌های مشخص ایرانی را صادر کرده بودند.^{۲۸}

ادعاهای ایران همچنین متوجه فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ سال ۲۰۱۲ ذیل عنوان «بلوکه کردن اموال دولت ایران و مؤسسات مالی ایرانی» است. بخش یک از این فرمان اعلام می‌دارد:

الف. تمامی اموال یا منافع اموال دولت ایران، مشتمل بر بانک مرکزی ایران که در ایالات متحده واقع شده یا هم‌اکنون و حتی در مالکیت یا کنترل فعلی یا بعدی هر شخص تبعه ایالات متحده قرار گرفته باشد، از جمله شعب خارجی آن‌ها، بلوکه شده و نباید مورد انتقال، پرداخت، صادرات، خروج یا هر عمل دیگر قرار بگیرد؛

ب. تمامی اموال هر مؤسسه مالی ایرانی یا منافع آن اموال، مشتمل بر بانک مرکزی ایران که اکنون یا در آینده در خاک ایالات متحده واقع شده، یا در مالکیت کنونی یا زین پس هر شخص تبعه ایالات متحده قرار گرفته باشد، بلوکه شده و نباید مورد انتقال، پرداخت، صادرات، خروج یا هر عمل دیگر قرار گیرد؛

ج. تمامی اموال یا منافع اموال که اکنون یا در آینده در خاک ایالات متحده قرار گرفته یا در مالکیت یا کنترل کنونی شخص تبعه ایالات متحده است نباید مورد انتقال، پرداخت، صادرات، خروج یا هر عمل دیگری قرار بگیرد؛

در مورد بخش ۵۰۲ قانون حقوق بشری کاهش تهدید ایران و سوریه، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، دیوان به دلیل فقدان صلاحیت به موجب معاهده مودت برای ورود به ادعاهای مربوط به نقض مواد ۳، ۴ و ۵، به ادعاها در این رابطه توجه نکرد.^{۲۹}

خواهان مدعی بود که در نتیجه اقداماتی که به آن‌ها اشاره شد، ایران و شرکت‌های ایرانی از حقوقی

28. ICJ, 2023, Ibid., para. 113.

29. Ibid., para. 115.

که به موجب معاهده مودت برخوردار بوده‌اند، از جمله بندهای ۱ و ۲ ماده ۳،^{۳۰} بندهای ۱ و ۲ ماده ۴،^{۳۱} بند ۱ ماده ۵،^{۳۲} بند ۱ ماده ۳۳۷ و بند ۱ ماده ۳۴۱۰ معاهده مودت محروم شدند. در احراز اینکه آیا یک رفتار قابل انتساب به دولت، نقض تعهدات بین‌المللی آن دولت محسوب می‌شود یا خیر، تمرکز عمده بر تعهد اولیه خواهد بود. این تعهد است که باید تفسیر شده و بر وضعیت اعمال شود تا از طریق آن محتوای رفتاری که باید انجام شود، مشخص شود؛^{۳۵} لذا دیوان به این نتیجه رسید که طرفین از دیدگاه‌های گوناگونی در رابطه با میزان محدودیت‌های اعمال شده توسط معاهده بر قدرت تقنینی دولت برخوردارند و عمده‌ترین مسائل آن‌ها مرتبط با بند ۱ ماده ۳، بند ۱ ماده ۴ و اجرای آن‌ها در شرایط قضیه حاضر است. از آنجا که ارتباط میان بحث در رابطه با این مقررات، نزدیک

۳۰. ماده ۳-۱: شرکت‌هایی که طبق قوانین و مقررات هر یک از طرفین معظمین متعاهدین تشکیل گردیده است در قلمرو طرف معظم متعاهد دیگر شخصیت حقوقی آن‌ها شناخته خواهد شد....

۳-۲: اتباع و شرکت‌های هر یک از طرفین معظمین متعاهدین به منظور اینکه عدالت بی‌طرفانه به اسرع اوقات اجرا شود در کلیه مراحل قضایی، هم در دفاع و هم در تعقیب حقوق خود، آزادانه به محاکم دادگستری و مؤسسات اداری طرف معظم متعاهد دیگر دسترس خواهند داشت. به هر صورت، شرایطی که به موجب آن چنین دسترسی حاصل می‌شود به هیچ وجه نامساعدتر از شرایطی نخواهد بود که در مورد اتباع و شرکت‌های طرف معظم متعاهد دیگر یا هر طرف ثالثی مجری است. حتی شرکت‌هایی که در داخل کشور فعالیت ندارند، بی‌آنکه احتیاج به ثبت‌رسیدن یا محلی شدن داشته باشند از دسترسی مذکور برخوردار خواهند بود.

۳۱. ماده ۴-۱: هر یک از طرفین معظمین متعاهدین در تمام مواقع نسبت به اتباع و شرکت‌های طرف معظم متعاهد دیگر و اموال و مؤسسات ایشان رفتار منصفانه و عادلانه مرعی خواهد داشت و از اتخاذ اقدامات غیرمعقول و تبعیض‌آمیزی که به حقوق و منافع مکتسبه قانونی ایشان لطمه وارد آورد، خودداری خواهد نمود و برای اجرای حقوق قانونی آنان که در نتیجه قراردادی به دست آمده باشد، وسایل مؤثری طبق قوانین مربوطه تهیه و تأمین خواهد کرد.

۴-۲: اموال اتباع و شرکت‌های هر یک از طرفین معظمین متعاهدین از جمله منافع اموال در داخل قلمرو طرف متعاهد معظمین دیگر از حد اعلاای حمایت و امنیت دائم به نحوی که در هیچ مورد کمتر از مقررات قانون بین‌المللی نباشد برخوردار خواهد بود. این اموال جز به منظور نفع عامه، آن هم بی‌آنکه غرامت عادلانه آن‌ها به اسرع اوقات پرداخت شود گرفته نخواهد شد. غرامت مزبور باید به وجه مؤثری قابل تحقق باشد و به نحو کامل، معادل مالی خواهد بود که گرفته شده است و قبل از آنکه گرفته شود یا در حین گرفتن مال، قرار کافی جهت مبلغ غرامت و پرداخت آن داده خواهد شد.

۳۲. ماده ۵-۱: اتباع و شرکت‌های هر یک از طرفین معظمین متعاهدین در قلمرو طرف معظم متعاهد دیگر مجاز خواهند بود که: الف. در مدت‌های مناسب، اموال غیرمنقول لازم را برای سکونت یا فعالیت‌های ناشی از عهدنامه حاضر اجاره نمایند.

ب. اموال منقول شخصی را از هر قبیل خریداری یا به نحو دیگر تحصیل کنند.
ج. اموال خود را از هر قبیل به وسیله فروش یا وصیت یا غیر آن واگذار نمایند. رفتاری که در این موارد به عمل می‌آید در هیچ موردی از رفتاری که نسبت به اتباع و شرکت‌های هر کشور ثالثی به عمل می‌آید، نامساعدتر نخواهد بود.

۳۳. ماده ۷-۱: هیچ‌یک از طرفین معظمین متعاهدین در مورد پرداخت و ارسال و سایر انتقالات پولی به قلمرو طرف معظم متعاهد دیگر یا از قلمرو طرف معظم متعاهد دیگر به قلمرو خود تضییقاتی قائل نخواهد شد مگر:

الف. تا حدی که برای تأمین ارز خارجی جهت پرداخت بهای کالاها و خدمات (سرویس‌های) ضروری برای بهداشت و رفاه مردم لازم باشد یا ب. در مورد یک عضو صندوق بین‌المللی پول، تضییقاتی که مصرحاً به تصویب صندوق رسیده باشد.

۳۴. ماده ۱۰-۱: بین قلمروهای طرفین معظمین متعاهدین، آزادی تجارت و دریانوردی برقرار خواهد بود.

۳۵. مسئولیت بین‌المللی دولت متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، همان، ۸۳.

بود، دیوان تصمیم بر رسیدگی توأمان در خصوص این مواد داشت.^{۳۶} دیوان در بندهای ۱۲۳ تا ۱۵۹ به تفسیر دو ماده فوق‌الذکر پرداخت و چنین مقرر کرد، زمانی که اقدامی با هیچ‌یک از استانداردهای مقرر در بند ۱ ماده ۴ مطابقت ندارد، نقض تعهد محقق می‌شود؛ لذا اقدامات ایالات متحده آمریکا غیرمعمول بوده و تعهدات خود طبق بند ۱ ماده ۴ معاهده مودت را نقض کرده است.^{۳۷} همچنین ایالات متحده با نادیده‌گرفتن شخصیت حقوقی شرکت‌های ایرانی، تعهد خود به موجب بند ۱ ماده ۳ معاهده مودت را نیز نقض کرده است.^{۳۸}

در خصوص نقض‌های ادعایی بند ۲ ماده ۳ در مورد دسترسی اتباع و شرکت‌های طرف متعاقد به دادگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق خود، دیوان چنین تفسیر کرد که هدف طرفین متعاقد، آزادی دسترسی به محاکم دادگستری و سازمان‌های اداری برای اتباع و شرکت‌هایشان است و به خودی خود، هیچ حق رویه‌ای یا ماهوی را تضمین نمی‌کند.^{۳۹} این یافته‌ای در جهت عکس ادعای ایران است مبنی بر اینکه سیاق بند ۲ ماده ۳ الزام به رسمیت‌شناختن وضعیت حقوقی شرکت‌هاست.^{۴۰} در نتیجه در شرایط قضیه حاضر، حقوق شرکت‌های ایرانی برای حضور نزد دادگاه‌های ایالات متحده، ارائه لوایح حقوقی و درخواست تجدیدنظر نقض نشده است و نقض بند ۲ ماده ۳ ثابت نشد. ادعای نقض بند ۲ ماده ۴ معاهده مودت با این استدلال بود که در نتیجه اقدامات ایالات متحده، اموال شرکت‌های ایرانی مسدود، ضبط یا منتقل شده‌اند و در هیچ‌یک از این موارد، گرامتی پرداخت نشد. انتقال و تحویل این اموال به شکاتی که احکامی علیه آن‌ها صادر شد، به منزله مصادره غیرقانونی و عدم اعطای حمایت مستمر و امنیت و برخلاف بند ۱ ماده ۴ است.^{۴۱} در مورد این ماده، مسئله اصلی این بود که آیا ضبط و اجرای اموال و منافع متعلق به شرکت‌های ایرانی برخلاف بند ۲ ماده ۴ معاهده است.^{۴۲} در این راستا دیوان ابتدا خاطر نشان کرد که تصمیم قضایی مبنی بر ضبط و اجرای اموال یا منافع اموال، فی‌نفسه به منزله تصرف یا سلب مالکیت از آن اموال نیست.^{۴۳} چنین تصمیمی باید عنصر غیرقانونی را به همراه داشته باشد؛ مثلاً سلب مالکیت ناشی از بی‌عدالتی باشد، یا زمانی که یک دستگاه قضایی اقدامات تقنینی یا اجرایی را اعمال می‌کند که ناقض حقوق بین‌الملل هستند و منجر به سلب مالکیت می‌شود. برای تعیین این عنصر غیرقانونی باید اقدامات تقنینی، اجرایی و قضایی مورد اعتراض، بررسی و تفسیر شوند.^{۴۴} حق قانونگذاری

36. ICJ, 2023, Ibid., para. 122.

37. Ibid., paras. 158-159.

38. Ibid.

39. Ibid., para. 165.

40. Ibid., para. 161.

41. Ibid., paras. 170-171.

42. Ibid., para. 182.

43. Ibid., para. 193.

44. Ibid., para. 184.

طرف‌های متعاقد با ممنوعیت تصرف‌های پیش‌بینی‌شده در بند ۲ ماده ۴ تضعیف نمی‌شود اما اختیارات دولت در این زمینه نامحدود نیست.^{۴۵} دیوان به این نتیجه رسید که بخش ۲۰۱ (الف) قانون بیمه خطرات تروریستی و بخش ۱۶۱۰ (ج)(۱) قانون مصونیت‌های دولت خارجی و اعمال آن از سوی دادگاه‌های ایالات متحده منجر به نقض تعهد مندرج در بند ۱ ماده ۴ معاهده شده‌اند. اما در خصوص فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ از آنجا که در مورد انسداد دارایی بانک مرکزی بود و پیش‌تر از صلاحیت دیوان مستثنا شد، دیوان نتیجه گرفت که در رابطه با این فرمان، ایران در اثبات ادعاهای خود ناکام مانده است.^{۴۶} در مجموع، دیوان مبتنی بر یافته‌های خود در رابطه با اقدامات ایالات متحده نتیجه گرفت که این دولت تعهدات خود ذیل بند ۲ ماده ۴ را در مورد ممنوعیت تصرف اموال، جز برای هدف عمومی و با پرداخت سریع غرامت عادلانه نقض کرده است.^{۴۷}

بند ۱ ماده ۵ معاهده که به حق اجاره و انتقال اموال توجه دارد، یکی دیگر از موارد ادعایی دولت ایران بود که ایالات متحده با اقدامات خود، شرکت‌های ایرانی را از حق انتقال اموال خود محروم کرده است. ایران در این راستا مصادره اموال را ناقض حق انتقال آزادانه آن اموال تلقی کرد.^{۴۸} با این حال، دیوان این ادعا را رد و نقض ایالات متحده را احراز نکرد.^{۴۹}

ایران مدعی بود که ایالات متحده با اتخاذ تدابیر تقنینی، اجرایی و قضایی که از طریق آن‌ها وجوه متعلق به نهادهای ایرانی و ایران را ضبط، توقیف، مسدود و مصادره کرده است، محدودیت‌هایی را در پرداخت، حواله و سایر انتقال‌های وجوه ایجاد کرده که ناقض بند ۱ ماده ۷ معاهده بوده که اعمال چنین محدودیت‌هایی را منع کرده است. ادعاهای طرفین حاکی از اختلاف در مفهوم عبارت «محدودیت» بود. خواهان تمایل به تفسیری موسع داشت که خصلت ممنوعیت هرگونه محدودیت در حرکت سرمایه را داشت؛ با این حال، حتی چنین تفسیری نیز باید در پرتو سیاق و بافت معاهده حاصل شود. دیوان با ملاحظه رویه معاهده‌ای دولت‌ها و در غیاب احراز هرگونه قصدی برای احتمال چنین تفسیری نتیجه گرفت که این مقررره مربوط به محدودیت‌های مبادله‌ای است و ادعاهای ایران، چنین محدودیت‌هایی را دربر نمی‌گیرد. در نتیجه، نقض بند ۱ ماده ۷ از سوی ایالات متحده، قابل اثبات قلمداد نشد.

ادعای پایانی ایران در مورد نقض بند ۱ ماده ۱۰ در مورد آزادی تجارت و کشتی‌رانی بود. تجارت، مفهومی گسترده و نیازمند حمایت در برابر اقدامات قانونی و اجرایی است که منجر به مسدودکردن یا توقیف خودکار اموال می‌شود. فعالیت‌های تجاری به‌طور کلی نه صرفاً عمل خرید

45. Ibid., para. 185.

46. Ibid., para. 188.

47. Ibid., para. 192.

48. Ibid., para. 194.

49. Ibid., para. 201.

و فروش فوری بلکه فعالیت‌های جانبی را که کاملاً مرتبط با تجارت است شامل می‌شود.^{۵۰} دیوان دریافت که بخش ۱۶۱۰ (ج)(۱) قانون مصونیت‌های دولت خارجی، مانعی واقعی برای انجام فعالیت‌های تجاری تلقی می‌شود. همچنین اعمال قضایی همان بخش و بخش ۲۰۱ (الف) قانون بیمه خطرات تروریستی باعث تداخل عینی در تجارت شده است.^{۵۱} با توجه به موارد فوق، نقض بند ۱ ماده ۱۰ معاهده مودت از سوی ایالات متحده اثبات شد.^{۵۲}

۲. دکترین دست‌های پاک، عذری برای رفع وصف متخلفانه عمل ارتكابی؟

بر اساس دکترین دست‌های پاک در حقوق بین‌الملل، زیان‌دیده‌ای که خود چندان بی‌گناه نبوده است، از حمایت‌های قانونی برخوردار نخواهد شد و زیان‌دیده‌ای که به منظور جبران خسارت به دادگاه بین‌المللی مراجعه می‌کند باید پاک‌دست باشد. در واقع کسی که برای احقاق حق به دادگاه مراجعه می‌کند، باید منصفانه عمل کرده باشد. این دکترین برای نخستین بار، حدود ۲۸۲ سال پیش مورد تصریح قرار گرفت. در رأی هلمن علیه جانسون که در ۱۷۵۵ صادر شد، گُرد منسفیلد بیان داشت که هیچ دادگاهی به یک شخص که سبب دعوی خود را مبتنی بر عمل غیرقانونی یا غیراخلاقی می‌کند، کمکی نخواهد کرد.^{۵۳} دکترین دست‌های پاک، شباهت‌های زیادی با «مشارکت زیان‌دیده در خسارت» دارد که بر اساس آن، نقش زیان‌دیده در بروز خسارت در تعیین غرامت، مورد توجه قرار می‌گیرد.^{۵۴}

ایالات متحده در ایرادهای مقدماتی خود ادعا کرده بود که دادخواست ایران غیرقابل پذیرش است زیرا ایران با دست‌های ناپاک نزد دیوان حضور یافته است چرا که ایران حامی تروریسم بین‌المللی است و اقداماتی در راستای نقض تعهدات منع اشاعه انجام داده است. اما دیوان بدون آنکه موضع‌گیری خاصی در این باب داشته باشد، اذعان داشت که حتی اگر رفتار خواهان غیرقابل سرزنش هم نباشد، باز هم بر اساس دکترین دست‌های پاک، قابلیت پذیرش دعوا مورد خدشه قرار نمی‌گیرد. با این حال، ایالات متحده می‌تواند در مرحله رسیدگی ماهوی، دفاعی در این رابطه داشته باشد.

خواننده برای تقویت دفاعیات خود نسبت به ماهیت دعوا، بار دیگر به استدلال‌های خود در مورد دست‌های ناپاک اشاره کرد و از دیوان خواست که «تمام ادعاهای مطرح‌شده طبق معاهده مودت

50. Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 1996 (II) p. 819, para. 48.

51. ICJ, 2023, Ibid., para. 221.

52. Ibid., para. 223.

53. Holmann v. Johnson [1775], 98 Engl. Rep. 1120 (1. Cowp. 341).

54. برای مطالعه بیشتر، ن.ک: سیدقاسم زمانی و وحید بنذر، «دکترین دست‌های پاک در حقوق بین‌الملل و بررسی تطبیقی آن با «مشارکت زیان‌دیده در خسارت»، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۴، ۱ (۱۳۹۹): ۱-۳۰.

را بر اساس عدم پاکدستی ایران رد کند». امریکا معتقد بود که ایران در یک کارزار هماهنگ و منسجم برای پیشبرد منافع سیاسی خود از طریق اقدامات بی‌ثبات‌کننده مغایر با حقوق بین‌الملل شرکت کرده و تروریسم جزو اصلی این کارزار است که اتباع ایالات متحده را هدف قرار داده است مانند بمب‌گذاری ۱۹۸۳ در پادگان تفنگداران دریایی در بیروت. خوانده معتقد بود که ایران با استناد به معاهده مودت به دنبال اجتناب از پرداخت غرامتی است که باید به قربانیان بپردازد؛ لذا این مبنایی است برای دیوان تا دکتترین دست‌های پاک را در این پرونده اعمال و ادعاهای ایران مبنی بر نقض معاهده مودت را رد کند، چرا که اقدامات اتخاذی و اجرایی ایالات متحده در پاسخ به اعمال حمایتی ایران از تروریسم علیه ایالات متحده و اتباع آن بوده است.^{۵۵}

استناد ایالات متحده امریکا به دکتترین دست‌های پاک در مرحله رسیدگی ماهوی، تلاشی است برای زدودن عنوان متخلفانه اعمالی که ناقض تعهدات بین‌المللی این دولت مبتنی بر معاهده مودت است؛ تلاشی که همواره از سوی ناقضان تعهدات در اختلافات بین‌المللی صورت گرفته و به ندرت مورد تأیید مراجع قرار گرفته است.^{۵۶}

اینکه دکتترین دست‌های پاک، بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی یا اصل کلی حقوقی باشد، هرگز از سوی دیوان تأیید نشده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی صلاحیتی خود در قضیه جادهاو (Jadhav) تأکید کرد که در رابطه با این دکتترین موضع‌گیری نمی‌کند.^{۵۷} کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح مسئولیت بین‌المللی ۲۰۰۱ از درج دکتترین دست‌های پاک در میان معاذیر رافع وصف متخلفانه بین‌المللی امتناع ورزید.^{۵۸} مبنای چنین امتناعی نیز این بود که دکتترین مزبور عمدتاً در زمینه قابلیت پذیرش دعاوی نزد دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی مورد استناد واقع و به ندرت هم به کار گرفته می‌شود.^{۵۹}

از آنجا که خوانده برای اعمال دکتترین دست‌های پاک در یک قضیه چند شرط را لازم می‌داند از جمله اینکه تخلف یا سوءرفتار، ارتکاب‌یافته توسط خواهان یا از طرف او باشد و بین تخلف یا سوءرفتار و ادعای خواهان ارتباط وجود داشته باشد،^{۶۰} دیوان در رأی خود راجع به ایرادهای مقدماتی در قضیه حاضر بیان کرد که خوانده استدلال نکرده که ایران به وسیله رفتار خود، معاهده مودت را

55. ICJ, 2023, Ibid., para. 78.

56. Ibid., para. 81.

57. Ibid., para. 76.

58. طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی، معاذیر عمومی رافع وصف متخلفانه اعمال ارتكابی دولت‌ها را به «رضایت، دفاع مشروع، اقدامات متقابل، قوه قاهره، اضطرار و ضرورت» محدود نمود، بدون آنکه متعرض معاذیر خاص بشود که وفق ماده ۵۵ طرح می‌توانند معتبر قلمداد شوند و تأکید نمود که اصولاً «دکتترین دست‌های پاک»، جنبه شکلی داشته و در زمره چنین معاذیری جای نمی‌گیرد.

59. The commentary on chapter V of part one of the ILC Articles on State Responsibility, Yearbook of the international law commission, 2001, Vol. II, part two, p. 44, para. 9.

60. Ibid., para. 86.

نقض کرده است؛^{۶۱} لذا میان تخلف و ادعای خواهان، ارتباط کافی محرز نیست و دفاع در ماهیت دعوا بر اساس دکترین دست‌های پاک قابل تأیید نبود.^{۶۲} علاوه بر این، تمهید سازکار دعوای متقابل، به خواننده این امکان را می‌دهد که عدم پاکدستی مدعی را که به لحاظ موضوعی ارتباط تامی با دعوای اصلی خواهان دارد، در قالب دعوای متقابل در معرض قضاوت دیوان قرار دهد. عدم استفاده خواننده از این فرصت نشان می‌دهد که عدم پاکدستی مدعی، ادعایی واهی است که بنیان مستحکمی ندارد. مضافاً بر آنکه همان‌گونه که اشاره رفت، می‌تواند حتی در قالب تقصیر زیان‌دیده قابلیت طرح داشته باشد. ایالات متحده آمریکا در پرونده برخی اموال، به هیچ‌یک از کارکردهای اخیر دکترین عدم پاکدستی مدعی استناد نکرد و بدین وسیله نشان داد که عدم پاکدستی مدعی، ادعایی واهی و فاقد پشتوانه اثباتی بوده است.

۳. آثار و نتایج حقوقی فعل متخلفانه بین‌المللی

هنگامی که دولتی مرتکب نقض تعهدی بین‌المللی می‌شود، احیاء، ترمیم و آینده آن رابطه حقوقی از اهمیت برخوردار است.^{۶۳} ماده ۲۸ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، مسئولیت بین‌المللی دولت بر اثر فعل متخلفانه بین‌المللی را متضمن آثار حقوقی می‌داند که عبارت‌اند از تعهدات دولت مسئول به توقف رفتار متخلفانه و جبران کامل خسارت‌های ناشی از آن فعل. چنین جبرانی بر اساس طرح مسئولیت بین‌المللی ۲۰۰۱ اقسام گوناگونی چون جلب رضایت، اعاده وضع به حال سابق و غرامت را در برمی‌گیرد. ایران در دادخواست خود، توقف رفتار متخلفانه از سوی ایالات متحده، جبران کامل صدمه‌های ناشی از اعمال آن دولت و عذرخواهی رسمی را درخواست کرده بود.^{۶۴}

۳-۱. بی‌وجه‌شدن توقف اعمال متخلفانه بین‌المللی

وقوع تخلف بین‌المللی، دولت متخلف را مجاز نمی‌دارد که تا زمان احراز وقوع تخلف توسط مرجع بین‌المللی، همچنان به نقض تعهد و ارتکاب تخلف ادامه دهد. در تعهدات مستمر، اصولاً نقض به‌تنهایی و به خودی خود باعث خاتمه حیات تعهد نمی‌شود، و ادامه التزام متخلف به تعهد نقض شده استصحاب می‌شود. این رویکرد به عدم درج نقض (حتی نقض‌های اساسی)، عاملی جهت خاتمه‌یافتن (نه خاتمه‌دادن) حیات معاهده در کنوانسیون ۱۹۶۹ وین حقوق معاهدات (ماده ۶۰) و تثبیت اصل حکومت قانون در نظام حقوق بین‌الملل در قالب حداقل‌سازی نقض تعهد بین‌المللی است و با

61. ICJ, 2019, Ibid., p. 44, para. 122.

62. Ibid., para. 84.

63. مسئولیت بین‌المللی دولت متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، همان، ۱۷۴.

64. ICJ, 2023, Ibid., para. 224.

فلسفه حقوق مسئولیت بین‌المللی کاملاً همخوانی دارد. با این حال، لازمه تعهد به توقف عمل متخلفانه بین‌المللی و اجابت خواسته خواهان در این مورد، به ادامه حیات تعهد بین‌المللی ذی‌ربط و به تبع آن، امکان منطقی تحقق نقض آن تعهد بین‌المللی بستگی دارد.

با اعلام خروج ایالات متحده در ۳ اکتبر ۲۰۱۸ از معاهده مودت و تحقق خروج در سوم اکتبر سال بعد، درخواست ایران برای صدور حکم دیوان به توقف رفتار متخلفانه ایالات متحده که ناقض معاهده مودت است، عقیم ماند. ایران بیان داشته که ایالات متحده باید با وضع قوانین مناسب یا با توسل به روش‌های دیگری که انتخاب می‌کند، اطمینان دهد که اقدامات اتخاذی از سوی قوه مقننه و مجریه آن و آرای محاکم دادگاه‌ها و سایر نهادهایش، ناقض حقوق ایران و شرکت‌های ایرانی نیست.^{۶۵} چنین درخواستی منبث از ماده ۳۰ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌هاست که مقرر می‌دارد، دولت مسئول فعل متخلفانه بین‌المللی باید اقدامات ناقض تعهد بین‌المللی را متوقف کند. با این حال، چنین تعهدی تنها در صورتی وجود دارد که تعهد نقض شده همچنان مستمر و در حال اجرا باشد؛^{۶۶} لذا با توجه به اینکه معاهده مودت دیگر در حال اجرا تلقی نمی‌شود و ایالات متحده با فسخ معاهده، موجبات خروج خود را فراهم کرد، مقررات معاهده از این پس فاقد اثر هستند و ماده ۳۰ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مجری نیست. در واقع درخواست توقف عمل متخلفانه با خروج ایالات متحده از معاهده مودت، بی‌وجه و بلاموضوع شد.^{۶۷}

۳-۲. جبران خسارت

تعهد به جبران کامل خسارت وارده به دولت زیان‌دیده، دومین تعهد دولتی است که مرتکب فعل متخلفانه بین‌المللی شده است که بسته به موضوع، اشکال متفاوتی خواهد داشت. ماده ۳۴ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها با عبارت‌پردازی این‌چنینی که جبران ناشی از فعل متخلفانه بین‌المللی مطابق مقررات این فصل به شکل اعاده وضع به حال سابق، غرامت و جلب رضایت است و منفرداً یا مجتمعاً بر طبق مقررات این فصل صورت می‌گیرد، از اشکال آن بحث به میان آورده است. نوع تعهد اولیه که نقض شده، آثار فعل متخلفانه، شکل و میزان خسارت وارده و ... در تعیین شیوه جبران اثرگذار است.

65. Ibid., para. 225.

66. Rainbow Warrior case, 1990, Ibid., p. 270, para. 114.

67. از آنجا که بنای صلاحیت دیوان، قید مندرج در معاهده مودت بود، خروج از معاهده مودت بر صلاحیت اثر نگذاشته و عطف به ماسبق نشد. اما توقف عمل متخلفانه بین‌المللی دلالت بر آینده دارد، آینده‌ای که شروع آن، ثبت دعوا در دیوان، و پایان آن، خروج امریکا از معاهده مودت بود. این ویژگی اعمال حقوقی تشریفاتی است که خاتمه حیات آن‌ها می‌تواند بر جبران خسارت اثرگذار باشد. اگر دیوان صلاحیت می‌داشت که به نقض قواعد عرفی یا اصول حقوقی رسیدگی نماید، توقف عمل متخلفانه بین‌المللی تحت تأثیر مسائل شکلی و امور تشریفاتی قرار نمی‌گرفت.

ایران در دادخواست خود از عبارت کلی جبران کامل خسارات و صدمات ناشی از اعمال ایالات متحد استفاده کرده بود^{۶۸} که شامل هر سه نوع جبران فوق‌الذکر می‌شود. با این حال، دیوان به ارزیابی و صدور حکم در خصوص پرداخت غرامت و جلب رضایت پرداخت.

الف. پرداخت غرامت

ایران در راستای ادعای خود برای دریافت غرامت، به ارزیابی دقیق و آتی غرامت‌های صدمات ناشی از اقدامات متخلفانه ایالات متحده آمریکا ناشی از نقض معاهده مودت اشاره و آن را به تعیین تاریخی از سوی دیوان موکول می‌کند. دیوان در اقدامی بی‌سابقه و مبتکرانه، ضمن اعلام استحقاق ایران برای دریافت غرامت، مهلتی ۲۴ ماهه را برای طرفین دعوا جهت توافق در خصوص میزان آن مقرر می‌کند. ناکامی در این توافق منجر به ارزیابی میزان غرامت در مرحله بعدی رسیدگی خواهد بود.^{۶۹} تردیدی در این نیست که به لحاظ عنصر زمان، نقطه پایان استحقاق ایران به دریافت غرامت ناشی از نقض معاهده مودت، تاریخ خاتمه حیات معاهده مودت یعنی سوم اکتبر ۲۰۱۹ خواهد بود و پس از آن تاریخ، نقض معاهده مودت توسط آمریکا بی‌معنا، و به تبع آن، حق ایران به دریافت غرامت ناشی از نقض معاهده، فراتر از آن تاریخ، منتفی قلمداد خواهد شد.

ب. جلب رضایت

جلب رضایت یا ترضیه خاطر قربانی عمل متخلفانه بین‌المللی، یکی از شیوه‌ها و اشکال جبران خسارات معنوی است که معمولاً در دعاوی بین‌المللی مورد مطالبه خواهان قرار می‌گیرد. بدیهی است که جلب رضایت جنبه نوعی داشته و به هیچ وجه به رضایت واقعی خواهان که ممکن است هیچ‌گاه حاصل نشود پیوند نمی‌خورد. اظهار تأسف یا عذرخواهی رسمی در زمره شیوه‌های جبران خسارات معنوی است بدون آنکه نیاز باشد مورد پذیرش دولت خواهان قرار گیرد. به هر حال، تشخیص اینکه آیا با وجود ارتکاب تخلف بین‌المللی توسط دولت خوانده، دولت خواهان متحمل خسارات غیرمادی یا معنوی شده است، با دیوان است. نیز تشخیص نحوه جبران خسارات معنوی طبق ماده ۳۶ اساسنامه بر عهده دیوان و در حیطه صلاحیت شخصی آن است.

عذرخواهی رسمی از جمهوری اسلامی ایران برای اعمال متخلفانه بین‌المللی ایالات متحده آمریکا و صدمات ناشی از آن‌ها در زمره آخرین درخواست‌های ایران و شاید اصلی‌ترین درخواست بود. دیوان در مورد این درخواست چنین مقرر کرد که ممکن است ارائه عذرخواهی رسمی از سوی دولتی که مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی شده است، در شرایطی نوعی از جلب رضایت تلقی

68. ICJ, 2023, Ibid., para. 224.

69. Ibid., para. 233.

شود، اما منحصر به این نیست. به زعم دیوان در شرایط قضیه حاضر، حکم و یافته‌های دیوان مبنی بر نقض برخی از مقررات معاهده مودت از سوی ایالات متحده آمریکا، جلب رضایت کافی برای خواهان دعوا قلمداد می‌شود؛ یافته‌ای که در رویه‌های پیشین دیوان نیز مورد توجه بوده است. در قضیه تنگه کورفو دیوان اشعار داشت که برای تضمین احترام به حقوق بین‌الملل که خود یکی از نتایج آن است باید اعلام کند که اقدام نیروی دریایی بریتانیا، نقض حاکمیت آلبانی است و این اعلام بر اساس درخواست مشاور دولت آلبانی صادر شده و جلب رضایت مناسبی تلقی می‌شود.^{۷۰} در واقع معمول‌ترین روش جلب رضایت که در موارد زبان‌های معنوی یا غیرمادی وارده به دولت به کار گرفته می‌شود، صرف اعلام متخلفانه بودن عمل ارتكابی خوانده توسط مراجع قضایی است.

نتیجه

در فضای حقوق بین‌الملل که آمیخته با حاکمیت دولت‌هاست و ویژگی حیثیتی در آن بسیار پررنگ است، اثبات نقض حقوق بین‌الملل توسط دولت ایالات متحده آمریکا طبق معاهده مودت و اعلام آن دولت به‌عنوان ناقض تعهدات ذی‌ربط و مسئولیت بین‌المللی آن به جبران کامل خسارات، دستاوردی برجسته تلقی می‌شود که شاید هدف اصلی ایران از مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده برخی از اموال ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶ هم محسوب می‌شد. چه بسا دولت‌ها برای متخلف شناخته شدن دولت مقابل خویش (تا صرفاً رأی علیه دولت مزبور دریافت کنند) یا برعکس برای اینکه به‌عنوان مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی شناخته نشوند، حاضر باشند چندین میلیارد دلار هزینه کنند. رویکرد ایالات متحد در پرونده ایرباس ۱۹۹۶ در دیوان بین‌المللی دادگستری با ایران از این منظر قبل توجه است.^{۷۱}

رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در ۳۰ مارس ۲۰۲۳ بار دیگر اعتقاد ایران به حکومت قانون در روابط بین‌المللی را به تصویر کشید و یکجانبه‌گرایی ایالات متحده آمریکا را در معرض محکومیت قضایی قرار داد. توصیف یکجانبه دولت ایالات متحده از اعمال دولت ایران تحت عنوان تروریسم، نقض حقوق بشر، تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای و... ارزش حقوقی و قضایی نداشت و دیوان به آن‌ها وقعی ننهاد. دیوان در قضیه برخی اموال، ضمن اعلام عدم ورود به موضوع بانک مرکزی، در چهار مورد، دولت ایالات متحده را در اثر نقض تعهدات ناشی از مواد ۳ (بند ۱)، ماده ۴ (بندهای ۱ و ۲) و ماده ۱۰ (بند ۱) معاهده مودت، «روابط اقتصادی و حقوق کنسولی» مصوب ۱۵ اوت ۱۹۵۵ متخلف شناخت. از سوی دیگر، اظهارات دیوان در این قضیه می‌تواند برای ایران در

70. Corfu Channel, Merits, I.C.J. Reports 1949, p. 4.

۷۱. برای مطالعه بیشتر، ن.ک: عبدالله عابدینی، «نگاهی به تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه برخی اموال ایران با تأکید بر بانک مرکزی (بخش نخست)»، قابل دسترس در: <https://unstudied.ir/fauns-forum> (بازدید: ۲۰ دی ۱۴۰۲).

قضیه نقض‌های/دعایی معاهده مودت آثاری داشته باشد چرا که دیوان از هم‌اکنون نقض مواد ۳، ۴ و ۱۰ معاهده مودت را در خصوص عدم به رسمیت شناختن تفکیک شخصیت حقوقی شرکت‌های ایران، عدم رفتار برابر و منصفانه با شرکت‌های ایران و ممانعت از آزادی تجارت میان دو کشور در نظر گرفته است.

همچنین دیوان با صدور رأی ۳۰ مارس مجدداً بر اعتبار طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها افزود و عدم تصویب آن را مانعی برای اعمال و اجرای مواد طرح مسئولیت ۲۰۰۱ ندانست. دیوان به درستی بر ماهیت عرفی قواعد مندرج در طرح مسئولیت صحه گذاشت. استناد دیوان به مواد گوناگون طرح مسئولیت بین‌المللی ۲۰۰۱ از جمله ماده ۳۰، ۳۷، بدون آنکه در مقام اثبات آن‌ها برخیزد، چنین برداشتی را تأیید می‌کند. عدم صلاحیت دیوان برای ادعاهای مربوط به مصونیت بانک مرکزی به هیچ وجه گویای عدم نقض و عدم مسئولیت ایالات متحده نیست چرا که اصل مصونیت به خوبی در حقوق بین‌الملل عرفی شکل گرفته است و دیوان با توجه به مبنای صلاحیت اعلامی از سوی خواهان، صرفاً مجالی برای ارزیابی این نقض‌ها نیافت.

منابع:

الف. فارسی

– کتاب

۱. سیدجمال سیفی، *حقوق مسئولیت بین‌المللی* (گفتارهایی در مسئولیت بین‌المللی دولت)، تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۴۰۱.
۲. سیدقاسم زمانی، «جایگاه اصول و قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قضیه سکوه‌های نفتی»، در مجموعه مقالات پیرامون: رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سکوه‌های نفتی: دعوی جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا، زیر نظر جمشید ممتاز. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴.
۳. *مسئولیت بین‌المللی دولت متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل*، ترجمه: علیرضا ابراهیم‌گل، تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۷.

– مقاله

۱. خلیفه، اسماعیل، «مسئولیت بین‌المللی دولت در پرتو رأی یازدهم دسامبر ۲۰۲۰ دیوان بین‌المللی دادگستری (شکایت دولت گینه استوایی به طرفیت دولت فرانسه)» *مجله تمدن حقوقی*، شماره ۱۱ (۱۴۰۱)، ۵.
۲. زمانی، سیدقاسم و وحید بذار، «دکترین دست‌های پاک در حقوق بین‌الملل و بررسی تطبیقی آن با «مشارکت زیان‌دیده در خسارت»، *مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، شماره ۱ (۱۳۹۹).
۳. محبی، محسن و وحید بذار، «رویکرد تفسیری دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه برخی *اموال ایران* (جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا)» *فصلنامه قضاوت*، شماره ۹۸ (۱۳۹۸).

– تارنما

۱. عابدینی، عبدالله، «نگاهی به تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «برخی اموال ایران» با تأکید بر بانک مرکزی (بخش نخست)»، قابل دسترس در: <https://unstudied.ir/iauns-forum> (بازدید: ۲۰ دی ۱۴۰۲).

ب. انگلیسی

- Books

1. Annette Culley (2017), *State Responsibility in International Law*, West Papua Women's Office Federal Republic of West Papua.

2. Simon Olleson, The Impact of the ILC's Articles on Responsibilities of States for International Wrongful Acts, The British Institute of International and Comparative Law.

- Cases

1. Corfu Channel, Merits, I.C.J. Reports 1949.
2. Certain Iranian Assets (Islamic Republic Iran v. United States of America), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 2019 (I).
3. Holmann v. Johnson [1775], 98 Engl. Rep. 1120 (1. Cowp. 341).
4. Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 1996 (II).
5. Elettronica Sicula S.P.A (ELSI) I.C.J Reports 1989.
6. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro) - Order of the Court on provisional measures, 13 September 1993, Separate opinion of judge Lauterpacht, para. 14.
7. Difference Relating to Immunity from Legal Process of a Special Rapporteur of the Commission on Human Rights, I.C.J. Reports 1999.
8. Certain German Settler in Poland, 1923, P.C.I.J Series B, No. 6.
9. Certain phosphate lands in Nauru (Nauru v. Australia), Preliminary Objections, I.C.J Reports 1992.
10. Phosphates in Morocco, Preliminary Objections, 1938, P.C.I.J, Series A/B, No. 74
11. Rainbow Warrior case (Award of 30 April 1990, RIAA, Vol. XX).
12. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Application instituting proceedings, 14 June 2016.
13. S.S. "Wimbledon", 1923, P.C.I.J, Series A, No. 1.
14. Factory at Chorzów, Jurisdiction, Judgment No. 8, 1927, P.C.I.J., Series A, No. 9.
15. Factory at Chorzów, Merits, Judgment No. 13, 1928, P.C.I.J., Series A, No. 17.

- Documents

1. The commentary on chapter V of part one of the ILC Articles on State Responsibility, Yearbook of the international law commission, 2001, Vol II, part two.
2. G.A. Res 375 (IV) of 6 December 1949; Also See Yearbook 1949, pp. 105-106, 150, 171; 175th-183rd meetings, 27 October- 3 Session, Sixth committee, 168th-173rd, 18-25 October 1949.

- Site

1. Basis of the Court's jurisdiction, Available at: <https://www.icj-cij.org/basis-of-jurisdiction> (Last visited: 16 July 2023).